

معرفی و بررسی سکینه الصالحین

(ص ۲۴۵-۲۲۷)

حمید رضایی (نویسنده مسئول)، محمد محمدی زنجیرانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۴/۲۹

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

چکیده

یکی از چهره‌های برجسته و شاخص عرفانی در سده هفتم هجری، سعدالدین حمویه (۵۸۶-۶۴۹ ه.ق) است اما وی علیرغم جایگاه والایش در عرفان اسلامی متأسفانه چندان شناخته شده نیست. از حمویه آثار متعددی در دسترس است که برخی هنوز بصورت نسخه خطی باقی مانده و مورد تصحیح و پژوهش قرار نگرفته‌اند. از جمله مهمترین آثار وی رساله سکینه الصالحین است که حاوی مطالبیست که ما را در شناخت بیشتر آراء، عقاید و نحوه سلوک وی یاری میدهد. این رساله دشواریهای سایر آثار حمویه را ندارد و بهمین دلیل منبع بسیار ارزشمندی در شناخت اندیشه‌های عرفانی وی بشمار میرود. مخاطبان این رساله عموم سالکان راه حق هستند. حمویه ضمن معرفی علم معامله و مکاشفه و معنی بغی، موانع و آفات راه سالک را برمی‌شمارد و سالک راه حق را از آن برحذر میدارد. این اثر در چهار باب تألیف شده است. باب اول: «باب فی الاوائل و البدایات، در بیان عدل انسان و معرفت عدل حق تعالی». باب دوم: «باب فی الاواخر و النهایات، در بیان احسان و ایتاء ذی القربی» باب سوم: «باب فی الموانع و الآفات، و آن در بیان نهی و منکر و فحشا». باب چهارم: «باب فی تبدیل الاخلاق و تحصیل الحسنات و آن در نهی بغی است».

در پژوهش حاضر ضمن شرح زندگانی و معرفی آثار سعدالدین حمویه برپایه منابع کهن و همروزگار وی، به معرفی رساله سکینه الصالحین، بیان اهمیت آن و ویژگیهای سبکی آن پرداخته شده است. مطالب نقل شده از سکینه الصالحین در پژوهش حاضر برگرفته از تصحیحی است که از این رساله بر اساس نسخه های کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه بروسه ترکیه و کتابخانه ایاصوفیا انجام گرفته است.

کلمات کلیدی

عرفان، سعدالدین حمویه، سکینه الصالحین، قرن هفتم، طریقت کبرویه

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور faanid2003@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

مقدمه

قرن هفتم هجری بسبب تلاقی مشرب‌های مختلف اهمیت ویژه‌ای در قلمرو عرفان اسلامی دارد. در این قرن تفاوت دیدگاه‌ها و اختلاف نظرها عمق بیشتری یافته تا جایی که اصول را نیز در برمیگیرد. ظهور مشرب‌های جدید در قلمرو عرفان اسلامی نیز ریشه در همین تفاوت دیدگاه‌ها دارد. بانگاهی کلی میتوان مشرب‌های عرفانی این دوره را به سه دسته تقسیم کرد: الف) دنباله سنت عرفانی که بزرگترین نماینده آن نجم‌الدین کبری است (عرفان عملی). ب) شاخه خاص عرفانی محیی‌الدین عربی (عرفان نظری) پ) بینابین که از یک سو تحت تأثیر سنت پیش از سده هفتم هجریست و از سوی دیگر با تصوف و عرفان دسته دوم در پیوند است و از آنها تأثیر میپذیرد. نماینده شاخص این گروه سعدالدین محمدبن مؤید حمویه است. (حمویه در مراد المریدین، میرباقری فرد، نجفی، ص ۱۳۴)

حمویه ابتدا با نشستن در محضر نجم‌الدین کبری پرورش یافت سپس با مجالست با محیی‌الدین عربی و سهروردی رشد کرد. او با خلق آثار و پرورش شاگردان، نقش مهمی در عرفان اسلامی بجا گذاشت. آثار عرفانی زیادی تا این قرن به رشته تحریر در آمده است که از آن جمله میتوان به «فصوص الحکم» ابن عربی اشاره کرد. از حمویه نیز آثار زیادی برجای مانده اما آثار او اغلب غامض و دشوار است: «مؤلفات خاص او با شیوه ای استثنایی و اشتغال بر نقوش دشوار و مکاتب پیچیده درباره تأویل حروف الفبا و تفسیر ارقام و اشکال است». (نفحات الانس، جامی، ص ۲۹۴) «سکینه الصالحین» یکی از آثار ارزشمند حمویه است که آن دشواری و پیچیدگی سایر آثار حمویه را ندارد بهمین دلیل میتواند در شناخت آراء و اقوال حمویه بسیار مفید باشد. این کتاب که در چهار باب نوشته شده است حاوی مطالبی عرفانیست و همان اهدافی را دارد که سایر آثار متصوفه دنبال میکنند: «به نظر میرسد که متصوفه در تصنیف کتابهای خود دست کم چهار هدف عمده را دنبال میکردند: یکی تعلیم اصول و مبانی اعتقادات دینی و عرفانی؛ دیگر تصوف در میان مردم... سدیگر دفاع از تصوف در برابر مخالفان... چهارم ارضای خاطر نویسنده» (سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه، غلامرضایی، ص ۶۲ و ۶۳)

هدف از تألیف رساله «سکینه الصالحین» تعلیم اصول و مبانی اعتقادات دینی و عرفانی بعموم مخاطبانست همانطور که حمویه خود به آن اشاره دارد «لاجرم واجب دانستیم از برای دوستان و عزیزان و طالبان راه حق مختصری نبشتن و وسیلتی جستن و از حق تعالی درخواستن تا آنچه نظام امور دین برو مرتبست و قوام و قواعد یقین برو مشید و مّمهد است بزبان این ضعیف، اسرار طالبان خویش را حکایت کند» (سکینه الصالحین، حمویه ۷۶۰، ۴ پ)

این رساله دارای ویژگیهای زیر است:

- زبان آن ساده است بدلیل آنکه مخاطب آن عموم سالکان راه حق هستند.

- توجه به آیات و احادیث و اقوال مشایخ بسیار زیاد است. در آن به احادیثی از پیامبر و اقوال عرفا و حکمای بزرگی همچون ابوالقاسم قشیری، ابن عطاء، الحلیمی، داوود طایی، ابوعلی دقاق، حکیم ترمذی، شعبی، معاذ بن جبل، ابو عثمان مغربی و حسن بصری استناد شده است.

- اصطلاحات دینی و عرفانی در آن فراوان بچشم میخورد.

- با آنکه از حمویه رباعیات زیادی برجا مانده است اما در این رساله از اشعار بهره ای نگرفته است، تنها یک بیت در حاشیه رساله با خطی متفاوت از متن اصلی نسخه نقل شده است :

گر چه بخود نیست کج اندام الف بین که چه سان کج شده در لام الف
(همان ، ۵۶ ر ؛ نک : هفت اورنگ ، ۹۱۰۵)

نثرهای صوفیانه را از نظر موضوع میتوان چنین طبقه بندی کرد: «الف: نثرهای تعلیمی و تبلیغی ب: نثرهای تغزلی» (سبک شناسی نثرهای صوفیانه ، غلامرضایی ، صص ۶۷ و ۶۸) با توجه به آنکه حمویه در این رساله با استناد به آیات، احادیث و اقوال مشایخ به آنچه که باید سالک راه حق انجام دهد و آنچه را که باید ترک کند، به بیان اصول و مبانی عرفان پرداخته است باید نثر آنرا در زمره نثرهای تعلیمی بحساب آورد.

حمویه در تصوف سده هفتم جایگاه والایی دارد. او شاگردان زیادی را پرورش داده، آثار زیادی را خلق کرده، سفرهای زیادی به مراکز علمی و عرفانی آن روز جهان اسلام داشته و با ناموران هم عصر خود مجالست داشته است بهمین سبب در سیر تکامل و تحولات عرفانی این دوره نقش اساسی دارد. با آنکه حمویه در عرفان اسلامی جایگاه ویژه ای دارد اما متأسفانه تاکنون ناشناخته باقی مانده و اغلب آثارش در کتابخانه ها بصورت نسخه خطی باقی مانده است. بگفته برخی تذکره نویسان شاید «از فرط شهرت او را نیازمند توصیف و تعریف ندانسته اند» (تذکره الشعرا ، واله داغستانی ، ص ۲۰۷)

ضرورت تحقیق

باتوجه به اینکه این اثر از آثار مهم عرفانیست و قبل ازین به اشتباه به نجم الدین کبری منسوب شده بود و تاکنون در کتابخانه ها بصورت نسخه خطی باقی مانده است معرفی این اثر و تحلیل محتوایی و سبک شناسی آن ضروریست.

شیوه پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از روش کتابخانه ای، به جمع آوری اطلاعات زندگانی سعد الدین حمویه و خاندان او و همچنین معرفی سکینه الصالحین و ویژگیهای سبکی آن پرداخته ایم.

پیشینه تحقیق

پیش از این براساس دو نسخه از رسالهٔ سکینه الصالحین که یکی در کتابخانهٔ بروسهٔ ترکیه (فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانهٔ بروسه، توفیق سبحانی، ص ۳۱۶؛ فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۷، ص ۴۸۶) و تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۲، ص ۱۰۱۴) و کتابخانهٔ ایاصوفیا (فهرستواره کتابخانه مینوی، افشار، دانش پژوه، ص ۱۲۱) وجود داشت این رساله به نجم‌الدین کبری - مراد سعدالدین حمویه - منسوب شده بود اما اخیراً با یافت شدن نسخهٔ کهن کتابخانه مجلس شورای اسلامی بشماره ۱۰۶۹۶ بسال ۷۶۰ ه.ق که نام سعدالدین حمویه را در سرآغاز نسخه دارد باید این کتاب را از آن حمویه دانست. با آنکه نسخه‌های کتابخانه‌های بروسه و ایاصوفیا، «سکینه الصالحین» را به نجم‌الدین کبری منسوب کرده است اما باید توجه داشت که «در انتساب رساله به نجم‌الدین کبری مأخذی به دست نیامده است» (همان، ص ۳۱۶) بلکه در اغلب منابع رسالهٔ سکینه الصالحین در زمرهٔ آثار سعدالدین حمویه آمده است (همان، ص ۳۹۷؛ مقدمه المصباح فی التصوف، مایل هروی، ص ۴۹؛ تاریخ عرفان و عارفان ایرانی از بایزید بسطامی تا نور علی شاه گنابادی، حقیقت، ص ۴۹۳ و احوال بزرگان؛ سعدالدین حمویه، نفیسی، ص ۴۵) بنابراین باید مؤلف آنرا حمویه دانست. تاکنون تصحیحی انتقادی از این رساله انجام نگرفته است. محمد کاظم رحمتی بر اساس نسخهٔ مجلس شورای اسلامی، ویرایش ناقصی از آنرا ارائه کرده است که دارای اشکالات بسیار زیادی است. (سکینه الصالحین، در نذر عارف، رحمتی، صص ۲۲۷-۲۶۹).

زندگی‌نامه حمویه

سعدالدین محمد بن جمال السنه معین‌الدین محمد بن حموی بحرآبادی جوینی از عرفای بزرگ سدهٔ هفتم هجریست. «جد خاندان وی همان ابو جعفر حموی ابن علی ملقب به کوسه است که سپهسالار سپاه خراسان بود. کلمه حمویی را باید به فتح‌حاء و تشدید میم و سکون واو خواند که نسبتی است به حمویه نام جد افراد این خاندان» (احوال بزرگان؛ سعدالدین حمویه، نفیسی، ص ۳۵) برخی دیگر معتقدند: «کلمه حمویی نسبت بحمویه است که گویا مصغر گونه ای از نام احمد باشد و اینکه شیخ را گه گاه سعدالدین حموی هم خوانده‌اند تحریفی از همین نامست که شاید ارتباط خود وی و بعضی خویشانش با ولایت شام و شهر حماه به انتشار آن کمک کرده باشد» (دنبالهٔ جستجو در تصوف ایران، زرین کوب، ص ۱۱۲ و ۱۱۳) اما بنظر نمی‌رسد این ارتباط دلیل این نامگذاری باشد. نخستین جد حمویه که از آن شناخت داریم ابو عبدالله محمد بن حمویه (۴۴۹ - ۵۳۰ ه.ق) است که از علما و مشایخ عصر خویش بوده و کتابی در تصوف بنام «سلوة الطالبین» دارد. عین القضاة همدانی که ظاهراً از صحبت وی بهره یافته بود او را در ردیف امام غزالی و برادرش شیخ احمد دانسته است (نفحات الانس، جامی، ص ۳۱۷) از دیگر نام‌آوران خاندان حمویه میتوان به عمر بن علی حمویی (متوفی به ۵۷۷ ه.ق) عم پدر

شیخ سعدالدین و پسر او شیخ صدرالدین ابوالحسن محمد حمویه (متوفی به ۶۱۷ ه.ق) نام برد که از مشایخ مهم صوفیه زمان خود در خراسان بوده اند. به روایت صدرالدین ابراهیم بن سعدالدین، حمویه در شب سه شنبه بیست و سوم ذیحجه سال ۵۸۶ ه.ق میان دو نماز مغرب و عشاء در بحرآباد متولد شده است (مراد المریدین، ابراهیم ابن حمویه، ورق ۲) در مجمل فصیحی نیز همین سال، زمان ولادت وی دانسته شده است. (مجممل فصیحی، خوفاقی، ج ۲، ص ۷۴۵) هر چند برخی محققین سال ولادت او را ۵۴۲، ۵۶۷ و ۵۹۵ ه.ق نوشته اند. (مقدمه المصباح فی التصوف، مایل هروی، ص ۱۲). حمویه در رجب سال ۶۰۰ ه.ق در شادیاخ بوده، ۶۰۴ ه.ق در بحرآباد و محرم ۶۰۵ ه.ق برای تحصیل بخوارزم رفته و تا صفر ۶۰۹ ه.ق در آنجا اقامت داشته است، در جمادی الاول ۶۰۹ ه.ق ترک درس و بحث کرده و روی بعلم آخرت آورده، سپس به خراسان برگشته و بحجاز و بیت الله الحرام سفر کرده و قرآن را حفظ کرده است. وی از آنجا راهی خراسان میشود و در سال ۶۱۶ ه.ق از دست نجم الدین کبری خرقة پوشیده و اجازت گرفته است. حمویه، سپس سفری طولانی را در پیش میگیرد: در سال ۶۲۶ ه.ق بمدینه بعد بموصل و بغداد میرود. و از آنجا به حما، حمص، حران، حلب، دامنه کوه قاسیون و دمشق رفته است. سعدالدین در محرم ۶۳۲ ه.ق در دمشق بخدمت سهروردی رسیده است. حمویه مدتی نیز در قدس، جاکوره، بعلبک و نصیبین اقامت داشته است. سپس تصمیم به بازگشت به زادگاه خود میگیرد. حمویه در سال ۶۴۰ ه.ق در تبریز بوده و از آنجا راهی جاجرم و آمل و خراسان شده است. سعدالدین سالهای آخر عمر را بین آمل و خراسان در سفر بوده است. وی در سال ۶۴۹ ه.ق از آمل بخراسان رفته و در شب شنبه ۱۸ ذیحجه ۶۴۹ ه.ق در گذشته است و در صفة حجره ای که فوت کرده بود او را دفن کرده اند و پسرش عمارتی عالی و قبه ای رفیع بر روی آن ساخته است (رک: مراد المریدین، ابراهیم ابن حمویه، ۵۱ ر - ۵۱ پ). در زمان وفاتش در حالیکه به شیخ عزالدین قزوینی تکیه کرده بوده و آیه زیر از سوره مائده را میخوانده و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه من الكتاب و مهیماً علیه فاحکم بینهم بما انزل الله ولاتتبع اهواء هم عما جاءک من الحق (مانده ۴۸) چون بلفظ حق رسیده است نفس او قطع شده است. (همان، ورق ۵۲) در مجمل فصیحی نیز سال ۶۴۹ ه.ق زمان وفات حمویه ذکر شده است (مجممل فصیحی، خوفاقی، ص ۸۰۱) اما اکثر منابع سال ۶۵۰ ه.ق را سال وفات حمویه ذکر کرده اند (نک: مجالس المؤمنین، شوشتری، ص ۷۷؛ تذکره نتایج الافکار، گوپاموی هندی، ص ۳۱۷؛ تقویم التواریخ، حاجی خلیفه، ص ۲۹۳؛ مرآة الجنان، یافعی، ج ۴، ص ۱۲۱؛ رجال حبیب السیر، خواندمیر، ج ۲، ص ۳۴ و ریحانه الادب، مدرس، صص ۲۶ و ۲۷) در ریاض العارفین عیداضحی سال ۶۰۵ ه.ق زمان وفات حمویه آمده است. (ریاض العارفین، هدایت، ص ۱۳۴) و در تاریخ گزیده سال ۶۵۸ ه.ق بعهد هولاکو را وقت وفات سعدالدین دانسته است. (تاریخ گزیده، مستوفی، ص ۶۷۰)

فرزندان حمویه

حمویه دو فرزند داشته است. اولین فرزند او، صدرالدین ابراهیم بن حمویه است که در سال ۶۴۴ ه.ق در بحرآباد متولد شده و در سال ۶۷۱ ه.ق با دختر عطاملک جوینی ازدواج کرده است و مورد تکریم خوانین مغول بوده و غازان خان مغول بدست او اسلام آورده است. اثر مشهور او «فرائد السمطین» بزبان عربی است که در فضائل اهل بیت تألیف شده است. اثر دیگرش «الاربعین التساعیات» در حدیث است که در دو مجلد تألیف شده است. فرزند دیگر حمویه خواجه یحیی است که در سال ۶۴۸ ه.ق متولد شده است.

تحصیلات حمویه

سعدالدین پس از قرائت قرآن در نوجوانی به نیشابور رفته و بتحصیل علم نزد امام معین الدین جاجرمی - مدرس مدرسه سلطانیه - پرداخته است. در سال ۶۰۵ ه.ق بخوارزم رفته و نزد شهاب الدین خیوقی مشغول تحصیل شده و تا سال ۶۰۹ ه.ق در آنجا مانده است. سپس از خوارزم خارج شده و ترک درس گفته است. سلطان محمد خوارزمشاه پس از مرگ معین الدین جاجرمی او را به اجبار مدرس مدرسه سلطانیه میکند. سپس به نیشابور میرود و وزیر، بزرگان دولت، عوام و خواص او را گرامی داشته‌اند. همراه وزیر، خلعت سلطان و دستارچه و طوق بوده که حمویه پذیرفته اما از پذیرش آنها خرسند نبوده است. حمویه یک روز در مدرسه تدریس کرده و بعد از آن دیگر در مدرسه حاضر نشده و به بحرآباد رفته، خلعت شاهانه را فروخته و صرف خانقاه خود کرده است (مراد المریدین، ابراهیم بن حمویه، ورق ۳)

استادان، مشایخ و مصاحبان حمویه

حمویه با بسیاری از بزرگان روزگارش مجالست و مصاحبت داشته و یا با آنها مکاتبه کرده است (نک: نامه سعدالدین حمویه به مروزی، پورجوادی، صص ۳۷-۴۰ و لطائف قرآنی در مجالس سیف‌الدین باختری، پورجوادی، صص ۳-۲۴) در رساله «مراد المریدین» و تذکرها به اسامی مشایخ بزرگی برمیکشوریم از آنجمله:

۱. امام معین الدین جاجرمی

وی مدرس مدرسه سلطانیه نیشابور بوده است که حمویه پس از قرائت قرآن به آنجا رفته و بتحصیل علم نزد وی مشغول شده و در انواع فنون تبحر پیدا کرده است. روزی به امام معین الدین جاجرمی گفته: میخواهد با این قوم [حنفیان] مناظره کند حمویه که شافعی بوده با حنیفان مناظره کرده و بر آنها غلبه کرده است. (مراد المریدین، ابراهیم بن حمویه، ۳ ر)

۲. شهاب الدین خیوقی

حمویه در سال ۶۰۵ ه.ق بخوارزم رفته، نزد شهاب الدین خیوقی مشغول تحصیل شده و تا سال ۶۰۹ ه.ق در آنجا مانده است. خیوقی ۱۵۰ شاگرد داشته ولی بحمویه بیشتر از دیگران توجه داشته است (همان، ۲۰۳)

۳. نجم الدین کبری

احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله خیوقی (۵۴۰ - ۶۱۸ ه.ق) که بنابر اقوال همه مورخان و تذکره‌نگاران، سعدالدین مرید او بوده (تاریخ گزیده، مستوفی، ص ۶۷۰؛ نفحات الانس، جامی، ص ۴۳۱؛ ریاض العارفین، هدایت، ص ۱۳۴؛ طرائق الحدائق، معصوم علیشاه، ج ۲، ص ۳۳۶ و...) وی شیخ خلوت سعدالدین نیز بوده است (مراد المریدین، ابراهیم بن حمویه، ۴) از او پرسیدند چه کسانی در سیر از دیگران سبقت گرفته اند؟ گفت: دونفرند: سعد الدین حموی و عزالدین رازی، عزالدین سائیرست و سعدالدین طائر. وی در سال ۶۱۶ ه.ق بحمویه اجازه ارشاد داده است. (همان، ۷) برخی آثار او عبارتند از: «الهائم الخائف من لومه اللائم»، «آداب الصوفی» و...

۴. صدر الدین ابوالحسن محمد بن عماد الدین ابن احض

ابی الفتح عمر بن ابی الحسن علی بن محمد بن حمویه پسر عم سعد الدین که در مسجد اقصی حمویه را خرقه پوشانیده و در سال ۶۱۷ ه.ق در موصل فوت کرده (همان) علت مرگ او غده چرکین کبدی بوده است. (تاریخ اسلام، ذهبی، ج ۴، ص ۳۷۷)

۵. صدر الدین محمد قونوی

وی ابو المعالی صدر الدین محمد بن اسحاق بن یوسف بن علی قونوی (۶۰۶ - ۶۷۳ ه.ق) ملقب به شیخ کبیر است. پدرش در صغر سن او وفات کرد و مادرش به ازدواج محیی الدین عربی درآمد. و بدینوسیله صدرالدین در تحت تربیت ناپدری مذکور و دیگر اکابر در آمده است. قطب الدین شیرازی شاگرد او بوده و با سعدالدین حمویی دیدار کرده است و رابطه محبت با همدیگر داشته اند. با خواجه نصیرالدین طوسی در حکمت، مکاتبات و مراسلات بسیاری داشته و مورد احترام و تمجید خواجه بوده است. با مولانای روم نیز کمال یگانگی را داشته است (مقدمه مصباح الانس، فناری، ص هجده و نوزده) از آثار اوست: «تفسیر فاتحه»، «مفتاح الغیب»، «نصوص و فکوک» و «نفحات الهیه» (همان، ص بیست و یک)

۶. ابن عربی

سعد الدین در دمشق در دامنه کوه قاسیون و جبل الصالحیه با ابن عربی ملاقات کرده است (مراد المریدین، ابراهیم ابن حمویه، ۸) و تأثیر شگرفی از او گرفته است. وقتی حمویه به خراسان باز می‌گردد در پاسخ به سؤالی که از او پرسیدند چه کسی را در شام ترک گفتی؟ چنین

میگوید: آنجا دریایی بود بیکرانه (محبی الدین عربی) او را ترک گفته ام. (مقدمه المصباح فی التصوف، مایل هروی، ص ۲۰) حمویه را پرسیدند که ابن عربی را چگونه دیدی؟ گفت: بحر لا ساحل له (مراد المریدین، ابراهیم بن حمویه، ۸ ر) و از محبی الدین عربی پرسیدند شیخ ما را چگونه یافتی؟ پس گفت: هو کنز لا ینفد (همان، ۸ پ) حمویه از ابن عربی تاثیر شگرفی پذیرفته است اما در باب ولایت عقاید خاص خود را دارد البته برخی محققین معتقدند: «سعدالدین حمویه به هیچ روی از آراء و آثار ابن عربی تاثیری نظام مند که تشخیص رأی و نظر او را از میان برداشته باشد نپذیرفته بود.» (این برگهای پیر، مایل هروی، ص سی و یک)

۷. سهروردی

شهاب الدین ابو حفص عمر سهروردی (۵۳۹-۶۳۲ ه.ق) حمویه با او در سفر حجاز همراه بوده و از او اجازه گرفته است (مراد المریدین، ابراهیم ابن حمویه، ۸ ر) و شیخ ذکر سعدالدین بوده است. (همان، ۴ پ) از سعدالدین پرسیدند سهروردی را چگونه یافتی؟ گفت: نور متابعه السهروردی شیء آخر. (همان، ۸ ر)

۸. سیف الدین باخرزی

وی از خلفای شیخ نجم الدین کبری است. بعد از تحصیل و تکمیل علوم بخدمت شیخ آمد و تربیت یافت. توفی - قدس سره - فی سنه ثمان و خمسين و ستمائه. (۶۵۸ ه.ق) و قبر وی در بخاراست (نفحات الانس، جامی، صص ۴۳۳ و ۴۳۴) با سعدالدین مکاتبات عرفانی داشته است. نامه‌ای از او به حمویه در مجموعه خطی بغداد لی وهبی بشماره ۲۰۲۳ موجود است که فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بشماره ۶۴۳ محفوظ است. (لطائف قرآنی در مجالس باخرزی، پورجوادی، ۱۳۸۰، صص ۳-۲۴)

شاگردان حمویه

در میان شاگردان حمویه از همه معروفتر عزیز نسفی عارف قرن هفتم است که در جای جای آثارش از جمله در «الانسان الکامل»، «کشف الحقایق» و «مقصد اقصی»، به آرا و اندیشه‌های حمویه درباره ولایت و نبوت پرداخته است. از دیگر شاگردان حمویه، محمد ابن احمد ابن محمد جوینی است که در رساله «مقاصد السالکین» مراحل سیر و سلوک و عرفان عملی را از زبان حمویه آورده است. متن این رساله را مایل هروی در کتاب «این برگهای پیر» به چاپ رسانده است.

آراء و عقاید حمویه

به اذعان اکثر مؤلفان و تذکره نویسان آثار حمویه در نهایت پوشیدگی است و بخاطر صعوبت اندیشه‌های او، سخن گفتن درباره عقاید او با توجه به آثارش مشکل است اما با توجه

بمطالبی که مریدان او ذکر کرده اند و بررسی آثار مشایخ او و سایر مؤلفان میتوان بشناخت خوبی از مشرب و مسلک سعدالدین دست یافت که به اختصار به آنها اشاره میشود:

الف) مذهب

شوشتری او را در زمره حروفیان و شیعه امامیه آورده است. (مجالس المؤمنین، شوشتری، ج ۲، ص ۷۶)

صاحب «روضات الجنان و جنات الجنان» او را شیعه امامیه می‌شمارد و معتقدست بیت زیر از حمویه به غیبت صغری و کبری حضرت صاحب الزمان اشاره دارد.

اذابلغ الزمان عقیب صوم بیسم الله فالمهدی قاما
(روضات الجنان و جنات الجنان، کربلایی، ج ۲، ص ۳۹۲)

در «روضات الجنات» چنین آمده است: «سعدالدین درباره اطلاق اسم ولی بعد از پیغمبر عقیده دارد که اطلاق اسم ولی بعد از پیغمبر بر غیر دوازده امام صحیح نیست» (روضات الجنات، خوانساری، ص ۱۳۴)

در «جواهر الکنوز» در شرحی فلسفی بر رباعی

وقت است که یار ما به بستان آید سلطان جهان او به میدان آید
پیدا و نهان در دل و در جان آید کفر همه کافران به ایمان آید

چنین میگوید: «در این رباعی اشارتست بظهور ختم ولایت که مهدیست و در آن هنگام عالم بستان باشد.» (جواهر الکنوز، داعی شیرازی، ص ۹۴)

صاحب «الانسان الکامل» از قول مراد خود عنوان میکند: «شیخ سعدالدین حموی میفرماید که پیش از محمد در ادیان پیشین ولی نبود و اسم ولی نبود... اسم ولی در دین محمد پیدا آمد. خدای تعالی دوازده کس را از امت محمد برگزید و مقرب حضرت خود گردانید بولایت خود مخصوص کرد و ایشان را نایبان حضرت محمد گردانید» (الانسان الکامل، نسفی، ص ۳۲۰)

از آنچه در مطالعه منابع بدست می آید باید گفت که حمویه شافعی مذهب بوده که گرایش زیادی به شیعه امامیه داشته است ضمن آنکه باید دانست که شافعیان قرابت زیادی با شیعه امامیه دارند.

ب) در آداب ذکر گرفتن

حمویه به مربع نشستن اهمیت میداده است (کشف الحقایق، نسفی، ص ۱۳۵) که توصیه نجم الدین کبری نیز بوده است: «صوفی، شاید که مربع نشیند.» (آداب الصوفی، کبری، ۱۳۶۳، ص ۳۱)

پ) اعتقاد به قضا و قدر

آنطور که آورده اند حمویه اعتقاد زیادی بقضا و قدر داشته است. در تاریخ گزیده داستانی از این تعلق خاطر آمده است: «در آن زمان که عالم از کفر و ظلم مملو بود خراسان را حاکمی عادل بود. اهل خراسان نزد سعدالدین شکر او بجا آوردند او در جواب گفت: برافتد، شکر زاید کردند. شیخ گفت: زودتر برافتد. گفتند: ای شیخ! در این دور که اهل جهان از ظلم حکام به بلاهای عظیم گرفتارند و حق - سبحانه و تعالی - خراسان را چنین حاکم عادل دادی بایستی که شیخ در حق او دعای خیر کردی تا موجب آسایش خلق بودی. چه سرست که شیخ چنین میفرماید؟ گفت: او مخالفست اقتضای زمان میکند.» (تاریخ گزیده، مستوفی، صص ۷۹۰-۷۹۱) . شاید رباعی زیر نیز ناظر به همین امر باشد.

می دان بیقین که هم بدو سیر از اوست در کوی قدر شر هم از او خیر از اوست
شور و شغب مسجد و میخانه از او و آشوب و فغان و فتنه دیر از اوست
(مقدمه المصباح فی التصوف، مایل هروی، ص ۴۰)

ت) عروج روحی

سفر روحانی و عروج روحی حمویه در «الانسان الکامل» چنین آمده است: «وی گفته است که وقتی روح مرا عروجی واقع شد و از قالب منسلخ گشت سیزده روز چنان بماند آنگاه بقالب آمد و قالب در این سیزده روز چون مرده افتاده بود و هیچ حرکت نمیکرد و چون روح بقالب آمد قالب برخاست. خبر نداشت که چند روز افتاده است. دیگران که حاضر بودند گفتند که سیزده روز است تا قالب تو چنین افتاده است.» (الانسان الکامل، نسفی، ص ۱۰۹)
داستان این سفر روحانی در برخی آثار دیگر نیز آمده است. (رک: ریاض العارفین، هدایت، ص ۱۲۴؛ نفحات الانس، جامی، ص ۴۲۲)

ث) ولایت و نبوت

درباره اقوال حمویه در باب ولایت و نبوت در آثاری که به آن پرداخته اند تناقض وجود دارد. در «نفحات الانس» به اعتقاد حمویه در باب موثیق، نبوت و ولایت اشاره شده است. (نفحات الانس، جامی، ص ۴۲۹) در «چهل مجلس» چنین آمده است: «شیخ سعدالدین حموی در معانی حروف گفته است که ولایت از نبوت عالیتر است» (چهل مجلس، سمنانی، ص ۱۷۲) و سپس پاسخ تندی به آن داده است. در «الانسان الکامل» چنین آورده است: «چون کار به محمد رسید فرمود بعد از من پیغمبر نخواهد بود... بعد از من کسانی که پیرو من باشند و مقرب حضرت خدا باشند نام ایشان اولیا است.» (الانسان الکامل، نسفی، ص ۲۲۰)

در مقدمه «کاشف الاسرار» آمده است: «عزیزی روایت کرد از شیخ سعدالدین حمویی که وی گفته است بدایه الاولیا نهاییه الاولیا... باز دانستم که در این سخن و سخن دیگران مناقضتی لازم نیست زیرا که سخن دیگران در سلوک طریقتست و سخن شیخ در سلوک شریعت.» (مقدمه کاشف الاسرار، اسفراینی، ص ۵۴) در «شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم ابن عربی» آمده است: «...مبدأ ظهور سِر ولایت حضرت مرتضی علی است. شیخ سعدالدین حمویه، عزیزالدین نسفی و عبدالرزاق کاشی نیز در این مساله موافق محقق لاهیجی شارح گلشن رازند.» (شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم ابن عربی، آشتیانی، ص ۹۱۶).

حمویه و طریقت کبرویه

علیرغم آنکه سعدالدین از شاگردان نجم الدین کبری بوده و شهرت خانواده آنها نقش مهمی در اشاعه طریقت کبرویه داشته است اما بدلیل مخالفت حلقه های مختلف کبرویه با ابن عربی و مخالفت برخی رهبران کبرویه با منش سیاسی خاندان سعدالدین در نزدیکی بمغولان که در این هنگام هنوز اسلام نیاورده بودند، جایگاه چندانی در میان جریانهای مختلف کبرویه نیافته بود و برخی بزرگان کبرویه همچون مجدالدین بغدادی، رضی الدین علی لالاء غزنوی و شاگردش جمال الدین احمد جرفانی با او سر نثار داشته اند. (سبکینه الصالحین در نذر عارف، رحمتی، ص ۲۱۷) صاحب کتاب «تشیع و تصوف» حمویه را در شمار حروفیان آورده است: «از جمله مهمترین و آشکارترین و تصوف آمیزترین و مشابه ترین جنبشها به حروفیگری نهضتییست منسوب به سعد الدین محمد بن مؤید... بن حمویه که گفته اند در دامنه کوه قاسیون سکنی داشته است.» (تشیع و تصوف، شبیبی، ص ۱۹۵) در «روضات الجنان و جنات الجنان» نیز آمده است: «مولانا بهالدین بسیار بزرگ و اهل حال بوده گوئیا وی از جماعتی است که به اسماء و ادعیه و خواص حروف مشهور و معروفند مثل حضرت امام محمد غزالی و حضرت شیخ محیی الدین محمد العربی و حضرت شیخ سعدالدین حموی.» (روضات الجنان و جنات الجنان، کربلائی، ج ۱، ص ۱۹۵)

آثار سعدالدین حمویه

آثار زیادی از حمویه بجای مانده است. اما همانطور که جامی گفته است آثار او اغلب غامض و دشوار است: «مؤلفات خاص او با شیوه ای استثنایی و اشتمال بر نقوش دشوار و مکاتب پیچیده درباره تأویل حروف الفبا و تفسیر ارقام و اشکال است» (نفحات الانس، جامی، ص ۲۹۴) در «نفحات الانس» نام دو کتاب «سجنجل الارواح» و «محبوب الاولیا» آورده شده است. (همان، ص ۴۲۹)

در «مراد المریدین» نام کتابها و اجازه های زیر نیز ذکر شده است:

۱. ظهور التوحید فی نور التجرید

۲. اجازه به علاء الدین مصدری

۳. الاشارة فی الاشارة

۴. صباح الحیوه و انفساها (در مقدمه المصباح فی التصوف، صباح الخلوه و انفساها آورده شده است، ص ۴۷)

۵. شرح و تعبیر خوابی که در نصیبین بر او رفته است (۶۴۰ ه.ق)

و... (مراد المریدین، ابراهیم بن حمویه، ورقهای ۵۰ و ۵۱)

مایل هروی علاوه بر آثار یاد شده، آثار زیر را در مقدمه المصباح فی التصوف آورده است.

۱. الفصول

۲. محبوب المحبین و مطلوب الواصلین

۳. قلب المنقلب

۴. سکینه الصالحین

۵. المصباح فی التصوف و ... (مقدمه المصباح فی التصوف، مایل هروی، صص ۴۶ - ۵۱)

در میان آثار فوق رساله «سکینه الصالحین» یکی از آثار با ارزش و مهم حمویه دانسته که بمعرفی آن پرداخته میشود:

سکینه الصالحین

این اثر پیش از این براساس دو نسخه که یکی در کتابخانه بروسه ترکیه و دیگری در کتابخانه ایاصوفیا وجود داشت به نجم الدین کبری منسوب شده بود اما اخیراً با یافت شدن نسخه کهن کتابخانه مجلس بشماره ۱۰۶۹۶ با تاریخ کتابت ۷۶۰ ه.ق که نام سعدالدین حمویه را با خطی متفاوت از خط متن در سرآغاز نسخه دارد باید مؤلف آنرا حمویه دانست. این رساله با خطبه ای کوتاه شروع و با نثری ادبی مبتنی بر صنایع بدیعی وارد مقدمه میشود و با معرفی رساله، مقدمه خاتمه یافته است. سپس به بیان بابهای آن میپردازد. این رساله دارای چهار بابست «وفق حروف کلمه الله» (سکینه الصالحین، حمویه، ۵ ر)

باب اول

باب فی الاوائل و البدايات، «در بیان عدل انسان و معرفت عدل حق تعالی و این در معنی الف الله است... و نصیب زکریا - صلی الله علیه و سلم - از عدلست» (همان، ۵ پ). این باب درباره ملازمت طالبان تحقیق بر ذکر خدای تعالی و تجرید ظاهر و باطن، ترک شهوات، عدل و ظلم، علم معامله و علم مکاشفه، نگاه داشتن زبان، شش حق مؤمن بر مؤمن و حکمت مطالبی بتفصیل آمده است. حمویه در این باب سالکی را که در ابتدای راهست پند میدهد. گرچه از اصطلاحات خاصی استفاده میکند اما این اصطلاحات را توضیح میدهد.

نوعی تأویل حروف نیز در این باب بچشم میخورد «و اشارت بدان زفان الف الله است.» (همان، ۱۲ پ) تأویل آیات، احادیث و اقوال مشایخ فراوان وجود دارد. آیات ترجمه نشده اند ولی برخی از احادیث و اقوال مشایخ ترجمه شده است. این ترجمه گاه فقط مفهوم کلی عبارتست گاه بلافاصله پس از عبارت ترجمه آن آمده است و گاهی ترجمه، برداشت عرفانی حمویه است. حمویه در این باب به اقوال مشایخی همچون معاذ بن جبل، ابوعلی دقاق، امام زین الاسلام (ابو القاسم قشیری) ابوعثمان مغربی و داوود طایی (م. ۱۲۵ ه.ق) استناد کرده است.

باب دوم

باب فی الاواخر و النهايات «در بیان احسان و ایتاء ذی القربی و نصیب یحیی - صلی الله علیه و سلم - از احسانست، در لام اول کلمه الله است.» (همان، ۵ پ). در این باب بعلمای ظاهر، علمای طریقت، علمای حقیقت، توحید غیب و شهادت و انواع ادب پرداخته شده است. در این باب تأویلات حروفی وجود دارد «و انتهاء احسان در هاء کلمه الله است.» (همان، ۲۸ ر). تأویلات آیات و احادیث در آن فراوان بچشم میخورد. ترجمه برخی آیات آورده شده که معمولاً ابتدا، ترجمه یا مفهوم آیه آمده و سپس آیه آورده شده است. در باب دوم اقوال مشایخ و عرفا بچشم نمیخورد.

باب سوم

باب فی الموانع و الآفات «و آن در بیان نهی و منکر و فحشا و آن در حرف سیم الله است و نصیب عیسی - صلی الله علیه و سلم - در ویست.» (همان، ۵ پ). در این باب به نهی اتباع شهوات، ظاهر و باطن دایره، آفات و موانع راه سالک، دو داستان از سخن گفتن کودک در گهواره (غیر از داستان حضرت عیسی) آفات زبان، انواع کلام، مراتب دروغ، چاپلوسی، غیبت، مراء، مزاح، آفات چشم، گوش، دست و پای، آفات بطن و فرج، آفات شهرت، حب جاه و مال و انواع تکبر پرداخته شده است. این باب در مقایسه با سایر ابواب حجم بیشتری از رساله را بخود اختصاص داده است. تأویلات حروفی در این باب وجود دارد: «و آن در بیان نهی منکر و فحشاست و در حرف سوم کلمه الله است» (همان، ۳۱ پ) پیوستگی امور و حالات که یکی از ویژگیهای مباحث عرفانیست بچشم میخورد: «و بدان که هر وقت که زبان نگاه ندارد دل نگاه نتواند داشت و چون دل نگاه نتواند داشت چشم نگاه نتواند داشت و چون چشم نگاه نتواند داشت بطن و فرج نگاه نتوان داشت و چون بطن و فرج نگاه نتوان داشت دست و پای نگاه نتواند داشت و چون دست و پای نگاه نتواند داشت گوش نگاه نتوان داشت.» (همان، ۳۶ پ) به اقوال مشایخی همچون حلیمی، حسن بصری (۲۱-۱۱۰ ه.ق) و حکیم ترمذی (۲۰۵-۲۹۵ ه.ق) استناد شده است. آیات ترجمه نشده و فقط تأویل شده اند، بعضی احادیث ترجمه شده و بیشتر آنها تأویل شده اند.

باب چهارم

باب فی تبدیل الاخلاق و تحصیل الحسنات «و آن در نهی بغی است و نصیب الیاس - صلی الله علیه و سلم - از وی است و آن در حرف چهارم الله است.» (همان، ۶۰) در باب پایانی کتاب مطالبی درباره معنی بغی (زنا)، اخلاق محموده و مذمومه، سرّ ادب، حسد، کبر، ریا، سرّ ارنی و عجب آمده است. به روال سایر ابواب، تأویلات حروفی بچشم میخورد. آیات و احادیث ترجمه نشده اند اما تأویل آنها فراوان بچشم میخورد. به اقوال بزرگانی چون ابن عطا (۲۳۵-۳۰۹ ه.ق) استناد کرده است. تنها در این باب شماره باب را ذکر کرده است که به فارسی است.

جدول وضعیت آیات، احادیث، اقوال مشایخ، حکایات و تأویلات حروفی سکینه الصالحین

تأویلات حروفی	تعداد حکایت و داستان	تعداد اقوال مشایخ و متکلمان	تعداد احادیث	تعداد آیات	
۵	-	-	۴	۵	مقدمه
۹	-	۷	۱۴	۱۲	باب اول
۲	-	-	۷	۱۰	باب دوم
۵	۲	۱۰	۲۴	۲۳	باب سوم
۸	-	۱	۱	۱۸	باب چهارم

تأثیرپذیری از سایر آثار

حمویه در نگارش «سکینه الصالحین» تحت تأثیر آثار شاخص قبل از خود بوده و از آنها تأثیر پذیرفته است. آثاری همچون «رساله قشیریه»، «احیاء علوم الدین»، «المنهاج حلیمی» و «الهایم الخائف من لومه اللائم» نجم الدین کبری. میان این آثار تأثیرپذیری مؤلف از «احیاء علوم الدین» مشهودتر است.

مقایسه با سایر آثار حمویه

این اثر در مقایسه با سایر آثار حمویه مانند «محبوب الاولیا» که «مشمول بر علم حروف و اشارات حروفیه در ضمن دوایر و غیر آن که حواله حل آن بحضرت امام محمد مهدی صاحب الزمان نموده» (مجالس المؤمنین، شوشتری، ج ۲، ص ۷۶) ساده ترست. در مقایسه با «المصباح

فی التصوف» بمراتب دارای تأویلات حروفی کمتریست. هر چقدر در «سکینه الصالحین» اقوال مشایخ و عرفا خودنمایی میکند در «المصباح فی التصوف» اقوال مشایخ و عرفا بندرت دیده میشود اما سجع و جناس در آن بسامد بالاتری نسبت به «سکینه الصالحین» دارد. در هر دو اثر ابیات انگشت شماری بکار رفته است.

معرفی نسخه‌ها

تا کنون سه نسخه از این کتاب شناخته شده است که یک نسخه در داخل و دو نسخه دیگر در خارج از کشور قرار دارد که بمعرفی آنها میپردازیم:

۱. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی بشماره ۱۰۶۹۶

این نسخه با شماره ۱۰۶۹۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. این نسخه ۱۴۱ برگ ۱۱ سطری دارد و بر کاغذهایی به قطع ۱۲×۱۵ و با جوهر مشکی (برخی جاها جوهر قرمز) بخط عمر بن محمد بن الحاج محمد بن ابی القاسم بن احمد شیرکان در ماه ربیع الاخر سال ۷۶۰ ه.ق کتابت شده است. و نام سعد الدین حمویی را با خطی متفاوت از خط متن نسخه در بالای آن دارد.

۲. نسخه کتابخانه بروسه ترکیه

این نسخه ضمن مجموعه رسایل شماره ۱۱۸۴ کتابخانه چلپی است که میکرو فیلم آن بشماره ۳۸۳۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجودست و در واقع رساله هفتم از مجموعه رسایلی است که در این میکرو فیلم موجودست. در این نسخه رساله را به نجم الدین کبری نسبت داده است. این نسخه ۲۹ برگ ۲۱ سطری دارد و با جوهر مشکی به سال ۷۵۶ ه.ق کتابت شده است اما کاتب آن مشخص نیست.

۳. نسخه کتابخانه ایاصوفیا

این نسخه ضمن مجموعه رسایلی در کتابخانه فاتح محفوظست این مجموعه حاوی تعدادی رساله است که رساله چهاردهم آن، سکینه الصالحین است. در این رساله نیز سکینه الصالحین را از آن نجم الدین کبری آورده است. این نسخه شباهت زیادی با نسخه کتابخانه بروسه دارد. نسخه فاتح ۲۸ برگ دارد که هر برگ دارای ۲۱ سطرست و با جوهر مشکی بسال ۷۶۰ ه.ق کتابت شده است و میکرو فیلم آن در کتابخانه مجتبی مینوی موجودست. (فهرستواره کتابخانه مینوی، دانش پژوه، افشار، ص ۱۲۱)

نتیجه

از آنچه در این مقاله به آن پرداخته شد میتوان گفت: سعدالدین حمویه (۵۸۶ - ۶۴۹ ه.ق) از عارفان نامی سده هفتم هجریست که تأثیر زیادی بر عرفان اسلامی گذاشته است. وی با عرفای بزرگی مجالست و مصاحبت داشته و آثار زیادی را خلق کرده است. او از عارفان بنام سده هفتم هجریست که آشنایی با آرا و اقوال او میتواند در شناخت بیشتر تصوف ناحیه خراسان مثمر ثمر باشد. «سکینه الصالحین» یکی از آثار مهم سعدالدین حمویه است که با تأثیرپذیری از آثاری همچون «احیاء علوم الدین»، «المنهاج حلیمی»، «رساله قشیری» به رشته تحریر در آمده است. سبک نگارش این رساله، سبکی بینابین سبک مرسل و فنی است. با آنکه در برخی جاها بخصوص در آغاز آن از نثر مسجع استفاده کرده است اما از نثر فنی کمتر بهره گرفته است و نثری ساده دارد. حمویه در این رساله با بهره‌گیری از صنایع بدیعی همچون سجع، تضاد، تشبیه و استعاره زیبایی کلام خود افزوده است که در این میان انواع سجع و تضاد از بسامد بالاتری برخوردارست. از خصایص مهم کتاب استفاده بسیار زیاد از آیات، احادیث، ترکیبات عربی و اقوال بزرگانی همچون ابن عطا، ابوعلی دقاق، قشیری (امام زین الاسلام)، حلیمی، داوود طایی، حسن بصری، حکیم ترمذی، ابو عثمان مغربی و معاذ بن جبل است. نکته مهم دیگر خالی بودن این اثر از شعرست حال آنکه حمویه خود دستی در شعر داشته است و رباعیاتش مشهور است. حمویه، موانع و آفات راه سالک را هفت عضو بدن یعنی دست، پا، چشم، گوش، زبان، بطن و فرج میداند و توصیه‌هایی برای عبور از این موانع و آفات ارائه کرده است.

سعدالدین در این کتاب نیز به سیاق دیگر آثارش، از تأویلات حروفی بسیاری استفاده کرده است اما اثر دشواریهای سایر آثار حمویه را ندارد زیرا مخاطبین آن عموم سالکان راه حق هستند بهمین خاطر میتواند منبع بسیار ارزشمندی برای شناخت شیوه سلوک حمویه و اقوال و آراء او و چراغی فرا راه سالکان راه حق باشد.

منابع

۱. آداب الصوفی، کبری، نجم الدین، به اهتمام مسعود قاسمی، چاپ گلشن، ۱۳۶۳ ه. ش
۲. الانسان الكامل، نسفی، عزیز الدین، تصحیح ماریژان موله، انتشارات طهوری، تهران ۱۳۵۰ ه. ش
۳. المصباح فی التصوف، حمویه، سعدالدین، تصحیح نجیب مایل هروی، چاپ اول، نشر مولی، تهران ۱۳۶۲

۴. الهائم الخائف من لومه اللائم، کبری، نجم الدین، خطی، مجموعه رسایل بشماره ۳۸۳۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۷۶۰ ه. ق
۵. این برگهای پیر، مایل هروی، نجیب، نشر نی، چاپ اول تهران ۱۳۸۱ ه. ش
۶. تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی، صفا، ذبیح الله، انتشارات فردوس، چاپ دوازدهم ج ۳/۱ و ۳/۲، تهران ۱۳۷۸ ه. ش
۷. تاریخ ادبیات در ایران مایل هروی، نجیب، انتشارات فردوس، چاپ دوازدهم، ج ۲، تهران، ۱۳۷۲
۸. تاریخ اسلام، ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، نشر دار الكتاب العربی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه. ق
۹. تاریخ عرفان و عارفان ایرانی از بایزید بسطامی تا نور علی شاه گنابادی، حقیقت، عبد الرفیع، انتشارات کوشش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۲ ه. ش
۱۰. تاریخ گزیده، مستوفی، حمدالله، به اهتمام عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲ ه. ش
۱۱. تحول رسم الخط از قرن ششم تا قرن سیزدهم، متینی، جلال، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۴۷ ه. ش، صص ۱۳۵ - ۱۶۲
۱۲. تذکره الشعرا، واله داغستانی، علیقلی، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۸۴
۱۳. تذکره نتایج الافکار، گوپاموی هندی، محمد قدرت الله، نشر اردشیر خاضع، چاپ پانزدهم، بمبئی، دیماه ۱۳۳۶
۱۴. ترجمه رساله قشیریه، فروزانفر، بدیع الزمان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۵ ه. ش
۱۵. ترجمه مصباح الانس، فناری، حمزه، مقدمه و ترجمه محمد خواجوی، انتشارات مولی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴ ه. ش
۱۶. تشیع و تصوف، شبیبی، کامل مصطفی، ترجمه علیرضا ذکاوتی، نشر امیرکبیر، تهران ۸۷
۱۷. تقویم التواریخ، حاجی خلیفه، نشر احیا کتاب، چاپ اول، تهران ۱۳۷۶
۱۸. جواهر الكنوز، داعی شیرازی، تصحیح مایل هروی، مجله معارف، دوره سوم، شماره ۳ آذر، اسفند ۱۳۶۵ ه. ش، صص ۷۹ - ۱۰۸
۱۹. چهل مجلس، سمنانی، علاء الدوله، تصحیح نجیب مایل هروی، انتشارات ادیب، تهران، ۱۳۶۶ ه. ش

۲۰. حمویه در مراد المریدین، میر باقری فرد، سید علی اصغر، نجفی، زهره، مطالعات عرفانی، شماره نهم، بهار و تابستان ۸۸، صص ۱۳۳ - ۱۵۴
۲۱. دنباله جستجو در تصوف ایران، زرین کوب، عبدالحسین، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
۲۲. رجال حبیب السیر، خواند میر، غیات الدین بن حمام، گردآوری عبدالحسین نوایی، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ دوم، تهران ۱۳۷۹
۲۳. روضات الجنات، خوانساری، محمدباقر موسوی، چاپخانه مهر استوار، قم، جلد هفتم، ۱۳۹۲ ه.ق
۲۴. روضات الجنان و جنات الجنان، کربلایی، حافظ حسین، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۱، تهران ۱۳۴۴ ه.ش
۲۵. روضات الجنان و جنات الجنان، کربلایی، حافظ حسین، انتشارات ترجمه و نشر کتاب، ج ۲، تهران ۱۳۴۹ ه.ش
۲۶. ریاض العارفین، هدایت، رضا قلی، کتابخانه مهدیه تهران، چاپ دوم ۱۳۱۶ ه.ش
۲۷. ریحانه الادب، مدرس، میرزا محمد علی، چاپخانه شفق، ج سوم، تبریز ۱۳۴۷ ه.ش
۲۸. سبک‌شناسی، بهار، محمد تقی، انتشارات امیر کبیر، ج اول، تهران ۱۳۷۵ ه.ش
۲۹. سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس، انتشارات پیام نور، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۸
۳۰. سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه، غلامرضایی، محمد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۸۸ ه.ش
۳۱. سکینه الصالحین در نذر عارف، به خواستاری سعید شفیعیون، بهروز ایمانی، رحمتی، محمد کاظم، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۹۱ ه.ش
۳۲. (شرح احوال بزرگان سعدالدین حمویه)، نفیسی، سعید، مجله یادگار، شماره ۱۰، صص ۳۵-۵۰
۳۳. شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، آشتیانی، سید جلال الدین، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۷۰
۳۴. طرائق الحدائق، معصوم علیشاه، تصحیح محمدجعفر محجوب، انتشارات سنایی،
۳۵. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه بروسه، سبحانی، توفیق، نشر دانشگاه گیلان، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه.ش
۳۶. فهرستواره کتابخانه مینوی، دانش پژوه، محمد تقی؛ افشار، ایرج، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۷۳ ه.ش

۳۷. فهرست واره کتابهای فارسی ، منزوی ، احمد ، نشر مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامى ، ج ۷ ، چاپ اول ، تهران ۱۳۸۲ ه.ش.
۳۸. کاشف الاسرار، اسفراينی ، عبدالرحمن ابن محمد ، انتشارات موسسه مطالعات اسلامى دانشگاه تهران دانشگاه مک گیل ، تهران ۱۳۸۳ ه.ش
۳۹. کشف الحقایق ، نسفی، عزیز الدین ، به اهتمام احمد مهدوی دامغانی ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران ۵۹
۴۰. لطائف قرآنی در مجالس سيف الدين باخزری ، پور جوادی، نصرالله ، معارف دوره ۱۸، شماره ۱ فروردین - تیر ۱۳۸۰ ، صص ۳ - ۲۴
۴۱. مجالس المؤمنین، شوشتری، قاضی نورالله، نشر اسلامیه، جلد دوم، تهران ۱۳۷۶ ه. ش
۴۲. مرآة الجنان، یافعی ، امام ابی محمد عبدالله بن اسعد ، حیدر آباد دکن ، ۱۳۳۹ ه.ق
۴۳. مراد المریدین، حمویه، ابراهیم بن سعد الدین، خطی، شماره ۶۸۳۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۴۴. مجمل فصیحی، خوافی، فصیح، تصحیح سید محسن ناجی استرآبادی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، تهران ۱۳۸۶
۴۵. نامه سعدالدین حمویه به عزالدین مروزی ، پورجوادی ، نصرالله ، مطالعات عرفانی، شماره دوم ، زمستان ۸۴ ، صص ۳۷ - ۴۰
۴۶. نفحات الانس، جامی، عبدالرحمن، تصحیح محمود عابدی ، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۰ ه.ش
۴۷. هفت اورنگ ، جامی، عبدالرحمن، تصحیح و مقدمه مرتضی مدرس گیلانی ، نشر گلستان کتاب ، چاپ ششم ، تهران ، ۱۳۷۰ ه. ش